



۲۰۱۷/۰۸/۱۵

حنیف رهیاب رحیمی

نیروهای امنیتی ضعیف عمل می کنند

یا طالب ها قوی اند؟

وقایع خونبار چند هفته اخیر نشان می دهد که در چهار کنج و کنار کشور جوی های خون جاریست. این خون یا از فرزندان بیگناه این کشور است که در نیروهای دولتی مصروف خدمت اند و یا از مردمان ملکی و بی گناه که بی خبر از همه چیز به زندگی بخور و نمیر شان مصروف اند. عامل این خونریزی و قتل و کشتار طالب ها با بیرق سفید اسلامی و داعش با بیرق سیاه اسلامی که به زعم خود شان برای اعلاهی کلمه الله پیکار می کنند و درین راه نه انسانیت و اسلامیت را می شناسند، نه رحم و نه عطفوت را و نه هم به مقررات و اساسات حقوق بشر کوچکترین اعتنا و پابندی دارند، خون می ریزند می کُشند و تر و خشک را یکجا با هم در می دهند.

هویت و اصلیت این لشکر نادان و بی تعلیم، فروخته شده و نوکر سازمان ها و کشورهای خارجی، از طرز کشتار بیرحمانه و غیر انسانی شان به همه هویدا و آشکار است. اما با کمال تعجب دیده می شود که بعضی هموطنان ما حتی به سویه داکتر و پروفیسور اینها را در نوشته های شان نیروهای مقاومت، مخالفین مسلح و مجاهدین و غیره می نامد، که این امر باعث می شود بگوئیم که تنها وجه مشترک زبانی و قومی این تحصیل یافته ها و دانشمندان! با این آدمکشان بی رحم و حرفوی، اینها را اینطور کج اندیش و کور دل ساخته که بالای واقعیت های عینی جامعه خود و بالای خون هزاران انسان بیگناه که هر روز ریخته می شود، پا گذاشته و به آدمکشی و غارتگری یک عده جناور وحشی، القاب نیروهای ملی و مقاومت و غیره را روادار می گردند.

از مقدمه می گذریم و می پردازیم به جواب سؤال فوق که ..

آیا طالب ها قوی اند و یا اینکه نیروهای امنیتی کشور ضعیف هستند؟

یک دقت سطحی این نتیجه را بدست می دهد که از لحاظ تعداد، این دو طرف متخاصم اصلاً قابل مقایسه نیستند. تعداد چند صد هزار نفری نیروهای امنیتی و چند هزار دزد و اوباش ولگرد. اولی به خاطر حفظ حاکمیت ملی و بهتر

شدن زندگی اجتماع می جنگد و دومی با چشم های بسته به امید موهوم جوی های عسل و شیر، حوض های شراب و دخترهای باکره.

اگر نیروهای امنیتی تعلیمات جنگی کافی، سوق و اداره درست و رهبری قاطع و صادقانه داشته باشند، صفوف طالب ها در ظرف کمتر از یکماه تار و مار و بسوی لانه های شان یعنی پاکستان، ایران و وزیرستان متواری می گردند. اما رمز موفقیت نسبی طالب ها در نبرد کنونی، در قدم اول عدم رعایت قواعد اخلاقی و انسانی به وسیله آنهاست. هر روز می بینیم و می شنویم که آنها عملیات تهاجمی شان را با سپر قرار دادن خانه های مردم بی گناه محل و بی دفاع از داخل قریه جات انجام می دهند.

دلیل دوم، آنها اکثراً به یکی از بزدلانه ترین و غیر انسانی ترین شیوه که در دین مبین اسلام نیز حرام گفته شده مبادرت می ورزند که همانا خودکشی، خود کفانی و خود ترقاندن است. آنها در محلات مزدحم، در مساجد، در دواير دولتی و در محل تجمع مأمورین و کارمندان یک اداره دولتی و غیر دولتی.

با به نمایش گذاشتن این نوع اعمال تخریبی آنها نه تنها مواد و مقررات حقوق بشر را با بی تفاوتی تمام نقض می کنند بلکه به جهانیان نشان می دهند که کدام برنامه خاص، پلان خاص و اصول جنگی خاص ندارند و حتی به خاطر رسیدن به مرام شان که عبارت از ایجاد ترس و رعب در میان مردم است، حاضر به رعایت کوچکترین اصول اخلاقی هم نیستند.

➤ در مقابل قوای امنیتی با در نظر داشت اصول آسیب نرسانی به مردمان ملکی وظایف دفاعی شان را انجام می دهند. اگر در بخش هایی که در ذیل به آن اشاره می گردد، توجه بیشتر و اساسی مبذول گردد، قوای امنیتی کشور که با شهامت و شجاعت و با احساس قوی وطنپرستی می جنگند، بدون شک تلفات کمتر دیده و به پیروزی حتمی نایل می آیند:

➤ داشتن یک ستراتیژی و طرح عملی: نیروهای امنیتی و دفاعی کشور از مدتها به اینطرف موقف دفاعی داشته و ارگانهای رهبری با وجود تجارب گوناگون کافی از حملات دشمن، ابتکار طرح کدام پلان جدی و عملی را بدست نگرفته اند تا جزواتمهای خط اول و خط دوم آنها در معرض تطبیق قرار دهند. جنگ کنونی تقریباً بحالت به اصطلاح الله توکلی به پیش می رود.

➤ در جلب و جذب دقت بیشتر شود: کسانی به نیروهای دفاعی کشور جلب گردند که هیچنوع سابقه عضویت در گروه های طالبی و مانند آنها نداشته باشند و از سوابق شان ارزیابی دقیق صورت گیرد.

➤ توجه در تعلیم و تربیه: به سربازان تعلیمات نظامی کافی داده شود و با رموز و فنون جنگی بیشتر آشنا گردند.

➤ تهیه وسایل مورد نیاز: از وسایل و ذرایع ممکن و متنوع استفاده شود تا معاشات، غذای مورد ضرورت، میوه جات، مواد مورد نیاز روزمره، حتی مواد و خوراکی های مقوی و انرژی زا، ادویه جات و وسایل صحی برای همه نیروها در هر جایی که وظیفه اجرا می نمایند، به وقت و زمان رسانیده شود.

- در پهلوی بودجه مخصوصی که برای قطعات وجود دارد، درین راستا با صاحبان سرمایه، شرکت ها و تجار انفرادی صحبت شود و آنها تشویق گردند تا به نیروهای امنیتی کشور در هر ماه یک مقدار کمک جنسی بطور داوطلبانه انجام دهند.
- از بین بردن فساد: از اختلاس، دزدی، غفلت و وظیفوی، تعطل در رسانیدن کمک و مواد مورد ضرورت نیروها، استفاده جویی و هر نوع فسادی که در تهیه و رسانیدن خدمات به نیروهای امنیتی خلل و مانع ایجاد می نماید، جداً جلوگیری گردد و به عاملین آن به هر سطحی که قرار داشته باشند، مجازات داده شود.
- سیستم مکافات و مجازات در نظر گرفته شود: در حال حاضر تنها مکافات اجرا می گردد بخاطریکه هر شخصی که در یک موقف بلند قرار گرفت، کوشش می نماید با استفاده از آن موقف، دوستان رفقا و علاقمندان خود را با دادن یک تقدیر نامه، خوشنام و نیک نام قلمداد نماید. اما مجازات بشکل واقعی آن وجود ندارد.
- تجهیز نیروهای: مقامات رهبری تلاش نمایند تا آخرین و مدرن ترین تجهیزات و وسایل حربی را تهیه و به دسترس نیروهای امنیتی قرار دهند. در حال حاضر بعضاً سلاح مخالفین که آنها را از پاکستان و ایران بدست می آورند، مدرن تر از سلاح دولتی است. این را هر دو طرف بخوبی می دانند.
- سوق و اداره درست: چون عملیات دشمن همیشه بشکل چریکی و گوریلابی صورت می گیرد، بناءً رهبری قطعات و جزواتم ها باید بخاطر جلوگیری از تلفات و کسب موفقیت، پلان های درست و کارآمد (اکثراً تعرضی) طرح نمایند و افراد خود را وقتاً فوقتاً از تغییر پلانهای دشمن، باخبر سازند. آمادگی باید همیشه موجود باشد و تعرض و حملات دشمن همیشه جدی و خطرناک پنداشته شود.
- کمک رسانی: قوماندانان و مقام های رهبری به مجرد اینکه از حمله بر یک پوسه یا قرارگاه همجوار راپور بدست می آورند، باید فوراً با استفاده از ذریع ممکن، به کمک آنها بشتابند و در کسب پیروزی و یا جلوگیری از تلفات رول قاطع ایفا نمایند.
- حل مشکل کوردینات ها: تثبیت درست و دقیق کوردینات های قطعات سیار و مستقر و ارائه آن در هنگام ضرورت به قوای هوایی داخل عملیات اردوی ملی یا قوای دوست.
- تفاهم و هم آهنگی: قوماندانان باید ایجاد هماهنگی و تماس دوامدار میان بخشهای مختلف نیروهای امنیتی را در اولویت های شان بشمارند.
- مزج و یکجا سازی ارگان های امنیتی: در حال حاضر تعداد نیروهای امنیتی به چندین نوع می رسد: اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس نظم عامه، پولیس محلی، پولیس سرحدی، کماندو، قطعات عملیات خاص. در مورد امتزاج این ارگانها و تقلیل نامها و ایجاد قوماندانی واحد تجدید نظر صورت گیرد.
- ایجاد قطعات ریزرف: قوماندانان ها در هر سطح که هستند قول اردو، فرقه، لوا، کندک و تولی، هر یکی این قطعات باید یک قطعۀ ریزرف معادل خود را در حال آماده باش داشته باشند تا در مواقع ضروری از آنها استفاده شود.
- احضارات محاروبی: چون آتش جنگ در سرتاسر کشور مشتعل است، هر قطعه مجبور است تا احضارات محاروبی را از نظر دور نداشته و شب و روز آماده دفاع در برابر حمله دشمن باشند.

➤ توجه به تبلیغات: در شناسایی دوست از دشمن، منسوبین نیروهای امنیتی بخصوص فیصدی بیسواد و کم سواد آن مشکل جدی دارند. این امر سبب می گردد که سرباز و یا افسر داخل نظام با کوچکترین تبلیغ دشمن سلاح دست داشته خود را علیه هم‌رزم و هم‌سنگر خود و به سود دشمن استفاده نماید. در بخش تبلیغات دامنه دار برای منسوبین باید توجه جدی و عملی صورت گیرد و در تشکیلات آن نیز تجدید نظر گردد.

تا کنون دولتمردان همواره درین فکر و تلاش بوده اند که قوای چند هزار نفری دزد، آدمکش و بی رحم را تا حد امکان بزرگ و خطرناک جلوه داده حتی تلاشها بخاطر شریک ساختن آنها در اداره دولت نیز جاری بوده است. در حالیکه در حقیقت اینها نه این دولت را به رسمیت می شناسند و نه آماده مذاکرات هستند و نه حکومت مشترک را قبول دارند.

طالبان تنها و تنها مانند سالهای قبل برای احراز کامل حاکمیت دولتی می جنگند و تجربه ثابت ساخته که برای نیل به این هدف از هیچ نوع عمل و جنایتی روگردان نیستند. به هر اندازه که با این گروپ وحشی از راه مذاکرات و روش های صلحجویانه برخورد صورت گیرد در حقیقت برای آنها فرصت بیشتر داده می شود تا در جنایات شان ادامه دهند. هرگاه دولت در مجازات و محاکمه این گروه های وحشی و آدمکش دل رحم دارد، خود نیروهای امنیتی در میدان نبرد دست آزاد دارند تا با قاتلین شان برخورد مشابه انجام دهند.

در آرزوی اینکه جنگ در کشور ما خاتمه یابد و مردم یکبار دیگر با آرامی و آسودگی نفس بکشند و از زندگی انطوری که لازم است و حق طبیعی شان است، بهره مند گردند. (والسلام)

